

جهان در آستانه سالروز انقلاب اکتبر

فواد عبداللهی

۱- یکصد و دو سال از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه میگذرد. انقلابی که منجر به تشکیل اولین حکومت کارگری جهان شد و هنوز هم دنیا وزن "پیروزی و شکست" آن را به انحاء مختلف حس میکند. میگویند کار زمان حذف چیزهای غیرذاتی است و بنابراین، فاصله گرفتن تاریخی از یک اثر - به مثابه واقعه - است که می تواند معنای حقیقی آن را آشکار کند؛ انقلاب اکتبر به تاریخ پیوست اما کماکان آموزه های آن برای مارکسیست ها و طبقه کارگر، موضوع تلاش بی وقفه برای تغییر در راه ایجاد جهانی فارغ از نابرابری و استثمار است. واضح است که قرن ۲۰ پایان یافته و ما در قرن ۲۱ زندگی میکنیم؛ اما جهان ما هنوز در میدان گرانشی قرن بیستم باقی مانده است؛ بیش از یک قرن پیش در دل جنگ جهانی اول، بر متن تحمیل تباهی و کشتار میلیونی که بورژوازی جهانی بر زندگی بشریت در سراسر جهان تحمیل کرده بود، انقلاب اکتبر برای صلح - نان - زمین، توانست ورق را نه تنها در روسیه که در سراسر جهان تماما برگرداند.

هنوز بحران اقتصادی، جنگ و ناامنی و فلاکت، در اشکال متنوع بر جهان ما حاکم است؛ بشر همچنان در نبردهای نامعلومی در حوزه های سیاست، اقتصاد، فلسفه و حتی هنر درگیر است؛ به این اعتبار، بحث بر سر انقلاب اکتبر بحث بر سر حال و آینده جهان است؛ اختلاف ما و طبقه ما با نظام حاکم بر جهان امروز، فقط اختلافی بر سر تاریخ گذشته نیست؛ بلکه جدال و کشمکش بر سر وقوع مجدد یک انقلاب کارگری از جنس انقلاب اکتبر علیه سرمایه داری است؛ روایت بورژوازی از آن انقلاب چیزی جز سنگ اندازی در مقابل وقوع انقلاب کارگری در دوره حاضر نیست؛ جدالی که در عرصه تاریخ نگاری از انقلاب اکتبر توسط بورژوازی تا امروز در جریان بوده در واقع جدالی است که بورژوازی در عرصه جنگ داخلی نه تنها در روسیه ۱۹۱۷، بلکه در سراسر جهان به طبقه کارگر و کمونیستها باخت؛ باختی که هنوز بعد از گذشت یک قرن با هیچ دستگاه تئوریک قابل توجه نیست. قابل پیشبینی است که نطفه تمام دعواها همینجاست! پس نگاه ما به انقلاب اکتبر و به تاریخ، چیزی جز ترسیم دوباره یک انقلاب کارگری قدرتمند در قرن حاضر نیست؛ باید به استقبال این امر حیاتی رفت.

۲- جهان نیازمند یک انقلاب کارگری است؛ کار از مبرمیت و استدلال گذشته است و آدم از فرط دلایل آن در مضیقه می افتد. شما جایی را در جوامع امروز نشان دهید که سرمایه داری در آن حاکم نباشد؛ که فقر، جنگ،



جدالی همه جانبه با بورژوازی ایران و دولتش میدانند.

جدال ما برای رفاه و آزادی، برای مختومه اعلام کردن احکام زندان به این عزیزان و منع تعقیب و پرونده سازی برای کارگران معترض، برای آزادی بقیه اسرای طبقه کارگر از زندان و برای آزادی همه زندانیان سیاسی ادامه دارد.

زنده باد کارگران هفت تپه و حامیان آنها

زنده با اتحاد کارگری

زنده باد حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست (خط رسمی)
۸ آبان ۱۳۹۸ - ۳۰ اکتبر ۲۰۱۹

کارگران فولاد، آذر آب، هپکو، شرکت واحد و کل مراکز کارگری، دانشگاهها و صف معلمین، بازنشستگان و همه حامیان طبقه کارگر در ایران و خارج کشور را فرا میگیرد. امروز همه جا در صف جنبش عدالتخواهی طبقه کارگر، این پیروزی را جشن میگیرند.

آزادی این عزیزان موقتی است. اما این اولین قدم بود. این یک پیروزی بزرگ بود و باید آنرا ارج گذاشت. این پیروزی مدیون تلاش مستمر کارگران هفت تپه، مدیون ایستادگی اسرای آنها در زندان، مدیون اتحاد قابل تقدیر هفت تپه ای ها و موجی وسیع از حمایتهای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه از ایران تا خارج کشور بود. بی تردید هفت تپه ای ها و همه کارگران ایران بعد از این پیروزی خود را در موقعیت بهتری میبینند. جنبش ما این پیروزی را فتح سنگری مهم در

لحظاتی قبل اسماعیل بخشی، نماینده و سخنگوی دلسوز کارگران هفت تپه، چهره محبوب و مشهور جنبش کارگری ایران، از زندان آزاد شد. حزب حکمتیست(خط رسمی) آزادی اسماعیل بخشی را به خود بخشی و خانواده اش، به کارگران هفت تپه، به رفقاییش، به مردم آزادیخواه ایران و به همه حامیان کارگران هفت تپه و اسرای آنها، تبریک میگوید.

چند روز قبل تعدادی از اسرای هفت تپه و دستگیر شدگان اول ماه مه آزاد شدند و امروز بعد از کارشکنی و بهانه گیری های آشنای کاربدستان حکومت، سرانجام اسماعیل بخشی عزیز هم آزاد شد.

امروز با آزادی اسماعیل بخشی موجی از شادی و احساس غرور و پیروزی کارگران هفت تپه، خانواده های آنها، مردم شوش،

تبعیض و خشونت علیه زنان از فرانسه تا ایران

امان کفا



رسمی سعی در اشاعه آن دارد تا خشونت علیه زنان را ناشی از "عقب ماندگی" و یا "بی فرهنگی" اقلیتهای "خارجی" و تهدیدستان جامعه معرفی کند، معترضین با ارائه آمارهای دولتی نشان دادند که تبعیض و آزار زنان نه محدود به "اقلیت های مهاجر" و یا "اقشار کم درآمد و یا بدون درآمد" جامعه، بلکه در سطوح مختلف و در بطن جامعه موجود است. امری که نه محدود به فرانسه و نه محدود به امسال و یا دوره اخیر ریاست جمهوری ماکرون است.

نهادهای ویژه رسیدگی به این وضعیت، بالاخص در مواردی که زنان به پلیس اطلاع می دهند، ایجاد مراکز و خانه های امن برای زنانی که تحت خشونت قرار دارند، آگاهی رسانی و آموزش در سطح جامعه و بررسیت شناختن معضلاتی که عموماً زنان در این خانواده ها با آن مواجه هستند، و در یک کلام پایان دادن به این شرایط، با پشتیبانی وسیعی و عمومی در جامعه روبرو شد.

بر خلاف تصویری که میدبای

صفحه ۳

زنده باد هفت تپه که اسیران خود را آزاد کرد!

این پیروزی را باید گرامی داشت!

"بهار دوم عربی" شروع پایان خاورمیانه قومی و مذهبی

کارگران دستگیر شده، زندان جمهوری اسلامی را ترک کردند!

صفحه ۲

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

زنده باد هفت تپه که اسیران خود را آزاد کرد!

این پیروزی را باید گرامی داشت

به مناسبت آزادی اسرای هفت تپه

و یارانشان و به تمامی مردم آزادیخواه در ایران و خارج از کشور تبریک می گوئیم.

ما، همه مردم آزادیخواه، تمام کسانی که در ایندوره برای آزادی این عزیزان تلاش کردند را دعوت میکنیم تا در کنار کارگران، معلمان، دانشجویان و زنان و مردان آزادیخواه، در کنار خانواده این عزیزان، آزادی زندانیان طبقه کارگر را جشن گرفته و برای پیشروی های بیشتر و بسته شدن پرونده آنها و آزادی همه زندانیان سیاسی پیمانی مجدد ببندیم.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) بزودی برنامه های خود در کشورهای مختلف را به اطلاع همگان خواهد رساند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۳۰ اکتبر ۲۰۱۶

تلاش خستگی ناپذیر و اعتراضات کارگران هفت تپه، مقاومت و استواری زندانیان در زندان های جمهوری اسلامی، هم پیمانی وسیع کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان در ایران و حمایت نیروهای مترقی و اتحادیه ها و تشکل های کارگری در گوشه و کنار دنیا، در زندان های جمهوری اسلامی را شکست و در عرض چند روز اسماعیل بخشی، دستگیرشدگان هفت تپه و بازداشت شدگان اول ماه مه و آذراب را آزاد کرد.

اینکه هنوز تعدادی دیگر از عزیزان جامعه در زندان های جمهوری اسلامی در بازداشتند، اینکه این آزاد شدن ها "موقت" اعلام شده اند، هیچکدام ذره ای از قدرت جنبشی که به توان خود یکی از مستبدترین حکومتها، حکومت زندان و شکنجه و اعدام را مجبور به عقب نشینی کرده است، کم نمی کند. این پیروزی، قدمی جدی در مقابله با جمهوری اسلامی است. آزادی این عزیزان گوشه ای از توان جنبشی است که مصمم به دستیابی به آزادی و برابری است.

ما این پیروزی را به کارگران هفت تپه، به اسماعیل بخشی، تمامی آزاد شدگان از زندان های جمهوری اسلامی، خانواده ها

مقاومت اسرای سربلند در زندان و تلاشهای پیگیر خانواده های شان که این مدت صدای عزیزان شان بودند، همه و همه نیروی عظیم این آزادی شیرین بودند.

اما جمهوری اسلامی و دستگاه شکنجه بیخود می پندارد که این آزادی موقت است. پرونده های رفقای اسیر باید بطور کلی مختومه اعلام شود. نه فقط این بلکه بقیه کارگران و فعالینی که به بهانه اول می به اسارت گرفته شده اند، باید بیدرنگ آزاد شوند. اصلا هیچ زندانی سیاسی نباید یک روز در زندان بماند. این خواست برحق تمام طبقه کارگر و مردم ایران است.

زنده باد هفت تپه!

هفت تپه بقیه مطالباتش روی میز است!

تمام زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست (خط رسمی)

۴ آبان ۱۳۹۸ - ۲۶ اکتبر ۲۰۱۹

حزب حکمتیست خط رسمی آزادی زندانیان هفت تپه را به شما کارگران نیشکر هفت تپه، به خانواده ها، حامیان دلسوز، کل طبقه کارگر ایران و خود زندانیان آزاد شده تبریک میگوید. هر چند هنوز اسماعیل بخشی، عسل محمدی و ندا ناجی در زنداند!

رفقای هفت تپه!

مبارزه و مقاومت و مطالبه برحق شما برای آزادی رفقای اسیر به ثمر رسید. شما به حق گفتید و مدعی شدید "اسماعیل را گرفتند، ما هم بخشی هستیم". همه شما بخشی هستید. خود شما بهتر از هر کس میدانید که این شعار به شیوه های مختلف در دانشگاهها و تجمعات اعتراضی توده زحمتکشان مکررا تکرار شد. خواست آزادی کارگران زندانی و حامیان شان در نشریه گام، در طول ماههای گذشته به حق به توده ای ترین مطالبه توده های ستمدیده و استثمار شده در سراسر کشور تبدیل شد. نه فقط این، بلکه تشکل ها و سازمان ها و اتحادیه های مختلف کارگری در سطح بین المللی، حامی دلسوز آزادی اسرای شما بودند. در این مدت، در خارج و داخل کشور، یک حلقه حمایتی وسیع به دور مطالبه شما شکل گرفت. به علاوه

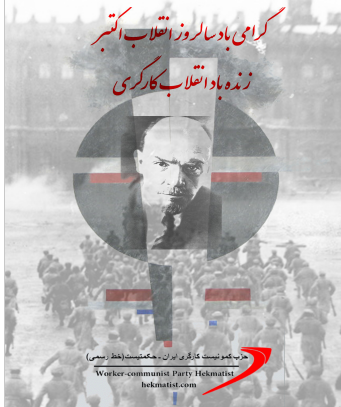
یک انقلاب اکتبر دیگر نیازمند است.

۳- و نهایتا، انقلاب کارگری بدون تحزب لنینی و خیز برداشتن به سمت قدرت سیاسی قابل تحقق نیست؛ این شاید مهمترین پیام انقلاب اکتبر است. امروز بیش از هر زمانی طبقه کارگر محتاج تحزب لنینی در پراتیک کردن مارکسیسم است. تحزب لنینی که قادر است تزه های فوئرباخ مارکس را در بطن یک واقعه عظیم تاریخی، در دل یک تحول انقلابی، با تزه های اوربل لنین پراتیک کند. اگر انقلاب اکتبر برای مارکسیست ها میتواند اهمیتی داشته باشد، همانا جایگاهی است که آن انقلاب در تفسیر پراتیکی لنین از مارکس، داشت.

سوت انقلاب کارگری، سوت مرگ بر استثمار و بهره کشی از انسان هم اکنون به صدا درآمده است؛ امروز، شیپور حاکمیت شوراهای کارگری، صدای "خطر" عروج سوسیالیسم از میان کارگران و محرومین در ایران بگوش میرسد؛ امروز، جامعه انقلاب دیده ایران و صف میلیونی طبقه کارگر، با سمپاتی وسیع به کمونیسم و حاکمیت شوراهای کارگری، شبح یک انقلاب کارگری دیگر را بر فراز جامعه ایران به صدا در آورده است.

دوران معاصر با مسلح کردن میلیشیاها و گانگسترهای قومی - مذهبی، محصول حاکمیت چه نظامی است؟ امروز طبق آمار رسمی خودشان ۷ درصد جهان زیر خط مطلق فقر زندگی میکند! ۴۰ میلیون از این جمعیت در "مهد تمدن دنیا" یعنی ایالات متحده با مرگ دسته و پنجه نرم میکنند. به این آمار رسمی کودکان کار را هم اضافه کنید! قربانیان و فراریان از جنگ را اضافه کنید! بردگی جنسی و خشونت علیه زن را هم اضافه کنید! "جالبتر" از همه عروج راست افراطی در قامت ترامپها و بوریس جانسون ها را هم اضافه کنید تا جهان از نگاه دوربین منجلایی است که دموکراسی پارلمانی و انتخابات "آزاد"ش بر متن شکست انقلاب اکتبر بنا کرده است. اما این تصویر کامل از دنیای امروز ما نیست؛ در مقابل تباهی حاکمین، به همان اندازه نیز مقاومت و امید به تغییرات ریشه ای در جریان است؛ مقاومت مجالده شدگان و استثمارشدگان علیه نظام حاکم، از دل خاورمیانه خونین تا قلب اروپا و آمریکای لاتین، امید و نیاز به انقلاب اکتبر را دوباره زنده کرده است؛ صد سال پیش کافی بود تا یک ربع از تصویر امروز، به کمونیستها و تلاش برای سازماندهی انقلاب کارگری اکتبر حقانیت دهد؛ بنابراین، دنیای امروز صدها بار به

انحطاط سیاسی و ایدئولوژیک از سر و کول آن بالا نرفته باشد و در عین حال شاهد مقاومت و مبارزه هر روزه علیه این اجحافات نباشید. جایی را نشان دهید که عقب مانده ترین عقاید و هویت ها برای به انقیاد کشیدن طبقه کارگر، روزانه در آن احیا نشود! جایی را نشان دهید که اکثریت مردم آن از گزند خرافات ناسیونالیستی در امان باشند. آیا جایی هست که همراه با افزایش نجومی ثروت، به غیر از تعداد معدودی بورژوازی انگل، کل جامعه از مواهب و نعمات زندگی به یکسان بهره مند شده باشد؟! در قاموس کدام نظام به جز نظام سرمایه داری و قانون بردگی مزدی، پا به پای رشد تکنولوژی، صنعت و علم که قاعدتا میبایست ضربه رفاه و آسایش و فراغت نوع بشر میشد، تعرض به معیشت طبقه کارگر سیر صعودی به خود گرفته باشد؟! آیا استدلال لازم است تا ثابت شود که امروز معضل بیکاری، نتیجه حاکمیت قانون سود سرمایه است؟! آیا استدلال عجیبی نیاز است تا معلوم شود که آمار قربانیان خاموش صوانج کار - در هر دقیقه و هر ثانیه - دهها برابر کشته شدگان دو جنگ جهانی اول و دوم است؟! ابراه انداختن جنگها، به خون کشیدن عزیزترین انقلابات توده ای در



جدال با یکی از متعفن ترین نمایندگان سرمایه در خاورمیانه، روزنه نوید را بازگذاشته است. طبقه کارگر ایران میتواند و باید با حزب کمونیستی خود، روند تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به انقلاب کارگری گره بزند. جهان تشنه انقلاب کارگری دیگری است و ایران امروز میتواند سرچشمه عروج آن باشد.

۳۱ اکتبر ۲۰۱۹

مجمع عمومی تنها مانده اراده مستقیم کارگران

تبعیض و خشونت علیه زنان

تظاهرات‌های ایندوره علیه "خشونت علیه زنان" از دو جنبه در این دوره حائز اهمیت است. از یک طرف این اعتراضی بود علیه دولت ماکرون و حملاتی که راست افراطی و راسیستی سعی در پیشبرد آن دارد. درست دو هفته پیشتر، نیروهای دست راستی و با همراهی کلیسا تمامی نیروهای خود را بسیج داده و تظاهراتی علیه "محدود کردن خانواده" برگزار کردند و به دولت هشدار دهند که تا لایحه ای که در مجلس فرانسه بررسی می شد را ملغی کند. طبق این لایحه، حق فرزند داشتن در خانواده های یک جنسیتی قانونی خواهد شد. پرچم ها و پلاکاردهایی چون "علیه بی بند و باری" و "نفی خواست خدا" همراه با سخنرانی های نیروهای محافظه کار و کلیسایی در تظاهرات نیروهای دست راستی و مذهبی، موج می زد. در حالیکه تظاهرات مخالفین "خشونت علیه زنان"، مسئله موقعیت زنان و تبعیض جنسی علیه آنان را به محور اعتراض علیه دولت قرار داده و با حضور صفی از معترضان، از بخش های مختلف جامعه، بیانگر اتحاد و همدردی واقعی در فرانسه بود. دو صف و دو جنبش در مقابل هم صف آرایی کردند.

از طرفی دیگر، تظاهرات زنان فراتر از اظهارات رایج "ضد مرد" رفته و با شعارهایی که در تظاهرات های "زنان ضد سرمایه داری" و جنبش اعتراضی "جلیقه

زردها" مطرح میشود، همراه بود. تظاهراتی که خود را به اعتراضات زنان در اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی متصل می کرد. این تظاهرات به این اعتبار نیز، بیانگر صفی بود که تبعیض علیه زنان نه فقط در فرانسه، بلکه علیه خشونت، تبعیض و نابرابریهایی که زنان در گوشه و کنار دنیا با آن دست بگریباندند. این جنبه از اعتراض است که حمایت و پشتیبانی وسیع هر انسان آزادیخواهی را برای این تظاهرات به همراه آورد.

طبیعی است فرانسه، جامعه ای که کمون را تجربه کرده است، جامعه ای که سلطنت و کلیسا را واژگون کرده است و شکست حکومت فاشیسم و راسیسم را در یک جنگ تمام عیار در تاریخ اخیر بیاد دارد، حاضر به قبول تحمیل روزافزون تبعیض و خشونت عریان علیه زنان نخواهد بود. اما اعتراضاتی که امروز خود را درقابل تقابل با "خشونت علیه زنان" بیان می کند تنها گوشه ای از تقابل وسیعتری است که جامعه علیه حمله همه جانبه راست حاکم پیش میبرد. شکی نیست که گسترش خشونت علیه زنان، تحمیل هر چه بیشتر بی حقوقی و تقسیم جنسی، تنها حربه ای است که بورژوازی حاکم از آن برای نفاق و تفرقه، برای عقب راندن نیمی از جامعه و در نتیجه کسب سود هر چه بیشتری، در دست گرفته است. دامن زدن به فرهنگ مردسالارانه و اشاعه سنت های ارتجاعی و مذهبی ضد زن، امروز بیش از همیشه در جهت این هدف به کار گرفته میشود. بر

خلاف ادعاهای دولت ماکرون و نیروهای راست و راسیستی که روزمره توسط میدیا پمپاژ می شود، زن ستیزی و تبعیض دائمی زنان، نه ناشی از فرهنگ عقب افتاده، نه ناشی از مردمی که از مستعمرات دیروز فرانسه و یا برای فرار از جنگ های خانمانسوز سوریه و غیره به این کشور مهاجرت کرده اند، بلکه مستقیما به نظامی گره خورده است که برخلاف ادعاهای "برابری طلبانه جنسی" در قوانینش، در این تبعیض و خشونت ذینفع است. امروز و در شرایط بحرانی که کل سرمایه داری جهانی با آن دست بگریبان است، نه تنها تبعیض جنسی، بلکه تضمین حاکم کردن آن در عرصه های گوناگون و مشخصا تولید، برای کسب سود بیشتر بر مراتب تعیین کننده است. این واقعیت و این قاعده ای است که مستقل از درجه و نوع تبعیض علیه زنان، مستقل از توجیهاتی که دول سرمایه برای تحمیل این بیحقوقی و عقبگرد سرهمبندی میکنند، چه در فرانسه و چه آمریکا و چه چین و ایران و عربستان، همه جا یکسان برقرار است.

به همین اعتبار تظاهرات علیه خشونت بر زنان در فرانسه، بخشی از اعتراض علیه نابرابری زنان و مورد پشتیبانی و حمایت تمامی آزادیخواهان در جنبش جهانی است که برای رهایی از یوغ سرمایه داری در جریان است. جنبشی که معیار آزادی جامعه را با برابری زن و مرد محک می زند.

حکمتیت را چاپ و

توزیع کنید

و بدست کارگران کمونیست

برسانید

"بهار دوم عربی"

شروع پایان خاورمیانه قومی و مذهبی

ساز برای مردم، امروز در آسمان خاورمیانه در گشت و گذار است. عراق و لبنان، امروز بی تردید آغازگر بهار دوم عربی اند.

بهار دومی که نه فقط حرکت میلیونی مردمی علیه فقر و فلاکت و ناامنی در این دو کشور، نه فقط علیه بورژوازی انگل حاکم در این دو کشور و نه فقط علیه احزاب و نیروهای قومی و مذهبی فوق ارتجاعی که بیش از بیست سال به زندگی مردم رنگ قومی و مذهبی زده اند است، بلکه علیه پروژه قومی و مذهبی کردن خاورمیانه توسط ارتجاع بین المللی و متحدین منطقه ای اش است. بهار عربی دوم شروع پایان پروژه خاورمیانه قومی و مذهبی است.

جدال برای رفاه و آزادی در عراق و لبنان میلیونها انسان را متحد و همبسته علیه کل حاکمیت و احزاب قومی و مذهبی و عشیره ای و در این دو کشور به میدان آورد. جدالی که به سرعت خط بطلانی بر

نسیم "بهار دوم عربی" که این روزها از بیروت و بغداد و بصره آغاز به وزش کرده است و هوای تازه و نور امید به زندگی و خوشبختی را، نه تنها در خاورمیانه که در سراسر جهان پخش کرده است، می رود که ورق حاکمیت چند دهه نکبت و سیاهی بر خاورمیانه را تماما برگرداند.

این روزها بیروت، بغداد، بصره، زیر پای زنان و مردان جوانی که برای رفاه و سعادت و آزادی به خیابانها آمده اند به لرزه در آمده است.

اعتصابات عمومی در عراق، زنجیره انسانی در لبنان، چهره مصمم جوانانی که علیه فقر، بیکاری و استبداد صحنه های شورانگیزی است که سایه تحرک امید بخش ازش بر خاورمیانه سیاه و جنگ زده، لرزه بر اندام هیولای مخوف ارتجاع مذهبی و قومی، انداخته است.

نسیم امید به تغییر به قدرت خود، شبح عزم تغییر بنیادی و تلاش برای اتحاد و همدلی مستقل از هویتهای کاذب و دست

تقسیم بندی های کاذب قومی و مذهبی کشید. تصاویر دختران و زنان بدون حجاب، رژه مردم متمدن خواهان یک زندگی مرفه و آزاد و انسانی، پوچی، دروغ و فریبکارانه بودن ادعاهای دول مرتجع منطقه ای، رسانه های نژاد پرست، و نیروهای قومی و مذهبی و ارتجاع بین المللی در دادن تصویر "مذهبی"، "سنتی"، "اسلامی"، "عربی" از این دو کشور، را به جهانیان نشان داد. باز هم معلوم شد که عراق و لبنان، همچون مصر و ایران، برخلاف تصویر کاذب قدرت های مرتجع، مامن نیروهای عقب مانده و قومی و مذهبی نیست! باز هم معلوم شد که خاورمیانه آزاد، غیر قومی و غیر مذهبی، مسکن انسان آزاد است!

جدال برای رفاه، آزادی و امنیت و علیه مصائب سرمایه در خاورمیانه، نمی توانست و نمی تواند از تعرض به اسلام سیاسی جدا باشد. جدالی که امروز در خاورمیانه، توسط محکومین، توسط بردگان قربانی فقر و بیکاری و تحجر قومی و مذهبی به جریان افتاده است، علاوه بر حکومت های مرتجع در کشورهای خود، مستقیما جمهوری اسلامی ایران را هم، به عنوان مهمترین رکن اسلام سیاسی، نشانه گرفته است.

حمله به دفتر حشد الشعبی و به زیر کشیدن پرچم جمهوری اسلامی و کنسولگری آن در عراق، تقابل و ایستادگی مردم لبنان در مقابل حزب الله و امل در لبنان، تعرض طبقه کارگر، زنان و مردان آزادیخواه به جنبش اسلام سیاسی و یکی از نمایندگان اصلی آن، یعنی جمهوری اسلامی، حلقه ای از پیشروی بهار عربی دوم است. حلقه ای که جنبش برای آزادی و امنیت و رفاه در عراق و لبنان راه، به مبارزه مردم و طبقه کارگر در ایران که برای همان خواست ها و مطالبات در جریان است، وصل میکند.

بهار عربی دوم، در کنار اعتراض میلیونی مردم در ایران علیه فقر، در کنار عروج جنبش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر در ایران، می رود نه فقط چهره خاورمیانه و منطقه که چهره جهان را تغییر دهد.

زنده باد آزادی، برابری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۲۹ اکتبر ۲۰۱۹

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب
[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب
facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا
radioneena.com

تلگرام رادیو نینا
[@Radionenna](https://t.me/Radionenna)

اینستا گرام رادیو نینا
instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

کارگران دستگیر شده، زندان جمهوری اسلامی را ترک کردند!

پیروز باد آزادی نمایندگان کارگران هفت تپه و حامیانشان

علیرغم تلاشهای بی وقفه جمهوری اسلامی و پرونده سازی برای کارگران نیشکر هفت تپه و روزنامه نگاران و فعالین حامی جنبش کارگری، با تلاش مستمر کارگران هفت تپه، کارگران و آزادیخواهان در ایران و جهان، پوزه جمهوری اسلامی به خاک مالیده و مجبور به آزادی دستگیر شدگان شد.

پیروزی کارگران هفت تپه و ایستادگی آنها در دفاع از حقوق حقه خود، دفاع از رهبران دلسوز خود، پیگیری و تسلیم نشدن در مقابل فشارهای جمهوری اسلامی، تصرف سنگری مهم برای طبقه کارگر در مقابل بورژوازی ایران و حکومت هار و مستبد آن است. این پیروزی همزمان نور امیدی برای جنبش کارگری در منطقه و خصوصا در عراق و کردستان عراق است.

حزب کمونیست کارگری کردستان، این پیروزی را به طبقه کارگر در ایران، به کارگران هفت تپه و همه حامیان جنبش کارگری در ایران و منطقه تبریک میگوید. ما همزمان این پیروزی را به زندانیان هفت تپه و خانواده و بستگان آنها تبریک میگویم و خود را در شادی آنها و باز گشت به آغوش گرم عزیزانشان شریک میدانیم. ما ایستادگی و مقاومت جسورانه همه رهبران و مدافعان زندانی شده کارگران هفت تپه را ارج میگذاریم. آنها با مقاومت و مقابله جسورانه خود زندانهای جمهوری اسلامی را نیز به میدان مبارزه ای با شکوه تبدیل و پیروزمند از زندان آزاد شدند.

حزب کمونیست کارگری کردستان

۳۰ اکتبر ۲۰۱۹

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تفریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برافروزداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید